

چالش‌های تحقق بیانیه گام دوم انقلاب از منظر آموزه‌های دینی

ابراهیم رضایی آدریانی^۱ (نویسنده مسئول)
عبدالمجید فقیهی^۲

چکیده

«بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» به مثابه اساسنامه‌ای که در جامعه اسلامی ما از هر جهت، باعث رشد و تعالی بوده و نوید بخش پیشرفت همه‌جانبه برای ما می‌باشد، از بدو صدور تا کنون مورد اقبال جامعه علمی و فرهنگی واقع شده و در حال تبدیل به یک گفتمان است. بدون شک اجرای دستورالعملی اینچنین جامع و گسترده، چالش‌های پرشماری در پیش خواهد بود که برنامه‌ریزی جهت مدیریت آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. خصوصاً آن که افق بلند «تمدن‌سازی» را پیش روی خود می‌بیند.

این نوشتار می‌کوشد به روش توصیفی تحلیلی مهم‌ترین چالش‌های اجرای بیانیه گام دوم انقلاب را با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی تحلیل نماید. این بیانیه از سویی ریشه در مبانی اصیل اسلامی دارد و از دیگر سوی، یک دستورالعمل فراگیر و قابل اجراست؛ ازاین‌رو با

۱. عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه erezaei@ymail.com

۲. کارشناسی ارشد تفسیر اثری، دانشکده علامه مجلسی اصفهان abdolmajidfaghihi@gmail.com

دسته‌بندی آن‌ها به «چالش‌های بنیادین» و «چالش‌های مرحله اجرا»، این دو ساحت از یکدیگر تفکیک شده‌اند.

از مهم‌ترین چالش‌های بنیادین و تئوریک می‌توان به اختلاف مبانی مسئولان، رویکردهای افراطی و تفریطی، غفلت از جنبه‌های تخصصی بیانیه، منفعت محوری، مادی‌گرایی، چشمداشت به بیگانگان و مقدم داشتن کمیت بر کیفیت اشاره کرد. همچنین اهم چالش‌های اجرایی عبارتند از مانع تراشی دشمنان و مخالفان، تبعیض، دروغ، شتابزدگی، رانت، ضعف نظارت، و غفلت از کار گروهی و رقابتی.

در یک جمع‌بندی می‌توان سه عنصر مهم «پیروی از آموزه‌های دینی»، «ولایتمداری» و «بهره‌گیری از تجارب گذشته» را راهبرد اصلی جهت مصون ماندن از چالش‌های پیش رو در اجرای بیانیه گام دوم انقلاب برشمرد.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم انقلاب، مطالعات راهبردی، آسیب‌شناسی، چالش‌ها، آموزه‌های دینی.

مقدمه

آسیب‌شناسی و پیش‌بینی «چالش‌های پیش رو» و پس از آن توجه به راهکارها و تدبیر «فرایند برون رفت از مشکلات پیش‌بینی نشده» پیش از اجرای هر «طرح راهبردی و افق نگر» ضرورت دارد. به‌ویژه هنگامی که یک طرح، استکبارستیز باشد و در راستای رشد و توسعه یک ملت بکوشد. بیانیه گام دوم انقلاب از آنجاکه کشور را به اهداف اسلامی و انسانی خود نزدیک‌تر می‌کند مخالفان خارجی خواهد داشت و از آنجاکه الگویی گسترده و جامع است و نیاز به مساعدت همگانی دارد در داخل نیز با چالش‌های پرشماری مواجه خواهد بود. این به معنای ناامیدی و دست کشیدن از ادامه حرکت نیست؛ بلکه لازم است با تدبیر و دوراندیشی مضاعف و پیش‌بینی چالش‌های پیش رو، خود را برای اجرای آن مهیا کرد. مقاله حاضر با این هدف نگاشته شده و دسته‌بندی چالش‌ها و تحلیل آن‌ها بر اساس آموزه‌های دینی را در دستور کار دارد.

منظور از «چالش» در این نوشتار، هر گونه مشکل یا آسیب پیش رو اعم از تحمیلی یا ناخواسته، مادی یا معنوی، عمومی یا اختصاصی و داخلی یا خارجی است که اجرای این سند ملی را با دشواری مواجه نماید.

بیانیه گام دوم

بیانیه گام دوم انقلاب، متنی حدوداً بیست صفحه‌ای (۶۱۰۰ کلمه) است که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، آیه الله سید علی خامنه‌ای به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر گردید. در این بیانیه بر «استمرار راه انقلاب» و «تبیین دستاوردهای چهل سال گذشته» تأکید شده است. در این متن پس از بیان چند نکته مقدماتی، سخنان اصلی ایشان خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان در هفت محور: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، و سبک زندگی صادر شده است.

پیشینه پژوهش پیرامون بیانیه

در زمان کوتاه طی شده از صدور این بیانیه تا کنون، پژوهش‌های پرشماری در این رابطه صورت گرفته و اهل قلم از زوایای مختلف، خصوصاً در حیطه علوم انسانی و اسلامی به آن پرداخته‌اند. همچنین همایش‌های متعددی با این موضوع برگزار شده و می‌توان ادعا کرد تبدیل به یک گفتمان شده است.

چالش‌ها

مشکلات و آسیب‌های پیش روی بیانیه گام دوم انقلاب را می‌توان به دو بخش بنیادی و اجرایی تقسیم کرد.

الف) چالش‌های بنیادین

منظور از چالش‌های بنیادین، آسیب‌هایی است که ناشی از اندیشه‌ها، باوها و رویکرد دست اندرکاران و شخصیت‌های مؤثر و مسئولان مملکت است که ضرورت دارد پیش از مرحله اجرا، به دنبال «افق مشترک» در این زمینه بود. اهم چالش‌های بنیادین عبارتند از:

۱. اختلاف مبانی مسئولان

بیانیه گام دوم به گونه‌ای نگاشته شده است که انحصاری به یک مذهب یا قوم یا زبان و حتی جغرافیای خاص نداشته باشد و حتی قائم به شخص یا اشخاص کنونی نیز نباشد؛ اما بدون شک اگر هنگام اجرای آن مسئولان و دست اندرکاران باورهای یکسان یا حداقل نزدیکی در زمینه ضرورت و فرایند پیشرفت نداشته باشند، اجرای آن با مشکلات عدیده مواجه خواهد بود.

برخی، بیانیه گام دوم را تنها در برخی از شئون جامعه معتبر و اجرایی دانسته و یا محدود به زمان می‌کنند درحالی‌که در متن بیانیه چنین آمده است: «انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و

اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمیبیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند... کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید.»

بدون شک تحقق چنین آرمانی نیازمند گذشتن از منافع شخصی جهت دست‌یابی به منافع ملی و اجتماعی است. قرآن کریم از قول حضرت هارون، برادر و جانشین حضرت موسی چنین نقل می‌کند که پدیده شوم گوساله پرستی را تحمل کرد اما حاضر نشد شکاف بین گروه‌های مختلف مردم با باورهای مختلف را شاهد باشد. (طه، ۹۴) در روایات نیز برای کسانی که محور تصمیم‌گیری آن‌ها اتحاد و همدلی اعضای جامعه در مسیر الهی است، پاداش قابل توجه و شاید منحصر به فردی تعیین شده است. مانند روایت زیر:

«إِنَّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَأُنَاسًا مَا هُمْ بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ لِمَكَانِهِمْ مِنَ اللَّهِ فَقِيلَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الَّذِينَ يَتَحَابُّونَ بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ أَرْحَامٍ بَيْنَهُمْ وَلَا أَمْوَالٍ يَتَعَاطُونَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ لَنُورًا وَإِنَّهُمْ لَعَلَىٰ مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ لَا يَخَافُونَ إِذَا خَافَ النَّاسُ وَلَا يَحْزَنُونَ إِذَا حَزَنُوا.»
(نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص: ۲۲۴)

۲. رویکردهای افراطی و تفریطی

برخی به کلی با حرکت روبه‌رشد و استقلال کشور مخالف‌اند و آنرا غیرعملی می‌دانند. برخی نیز ایده آل‌گرا هستند و کمبودهای موجود را باور ندارند. این دو رویکرد قطعاً مسئله‌ساز خواهند بود.

امیرمؤمنان در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُقَرِّطًا؛ انسان نابخرد را نمی‌بینی مگر در یکی از این دو حالت: یا اهل زیاده روی؛ یا اهل کوتاهی و سطحی‌نگری» (سیدرضی، ۱۳۹۲ش، حکمت ۷۰) در کلامی دیگر از امام جعفرصادق علیه السلام آمده است: «ما مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ.» هر چیزی برای خود حد و اندازه‌ای دارد. (تحف‌العقول، ۱۳۸۷ش، ص ۳۶۱)

در طلّیعه بیانیه آمده است: «نخستین توصیه من امید و نگاه خوش بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفلها، هیچ گامی نمیتوان برداشت. آنچه میگویم یک امید صادق و متکی به واقعیتهای عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومیدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم.» و این مهم محقق نخواهد شد مگر با اجتناب از نگاه‌های افراطی و تفریطی. به نظر می‌رسد راهکار برون رفت از این چالش، توجیه منطقی و مستدل نخبگان، حوزویان و دانشگاهیان و در مراتب بعدی بهره‌گیری از ظرفیت رسانه و فضای مجازی و همچنین جامعه نخبگانی برای توجیه توده مردم است تا امیدوار به آینده، در مسیر تحقق این بیانیه قرار گیرند.

غفلت از جنبه‌های تخصصی بیانیه

هر حوزه دانشی مشتمل بر اصطلاحات تخصصی، تعریف متفاوت از برخی واژگان رایج، و ادبیات خاص خود است. به عنوان نمونه واژه قیاس مصدر باب مفاعله از ماده قاس و به معنای مقایسه کردن و سنجیدن دو شیئی ممنوع با یکدیگر است. (ابن منظور، ۲۰۰۳: ماده قیس) اما این واژه در دانش منطق به «قول مؤلف من قضایا متی سلمت لزم عنه لذاته قول آخر» (مظفر، ۱۳۸۳: ص ۲۳۱) تعریف شده و مراد از آن استدلال‌هایی هستند که از چینش دو یا چند قضیه پدید می‌آیند و از آن‌ها نتیجه‌ای استخراج می‌گردد.

درحالی‌که همین کلمه در دانش فقه و اصول به «اجرای حکم اصل در فرع، از جهت جامعی که بین آن‌هاست» (قوانین الاصول، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۷۹) تعریف شده که تقریباً معنایی نزدیک با معنای لغوی آن دارد و ناظر به مقایسه و تطبیق یک حکم در دو موضوع متفاوت است.

در چنین شرایطی اگر یک فقیه وارد بحث منطقی شود اما از معنای واژه قیاس در دانش منطق آگاهی نداشته باشد، آن را به معنای فقهی به کار خواهد برد و این موجب لغزش در انتقال مفاهیم خواهد شد؛ بدون آن که خود پژوهشگر مطلع شود یا احتمال اندک خطایی در

فهم خود را بدهد.

بیانیه گام دوم برآمده از قلم کسی است که چندین دهه سکان دار انقلاب اسلامی بوده و علاوه بر دانش لبریز و تدبیر مثال زدنی، از مشاوران و متخصصان نخبه نیز بهره می برد. لذا در مقام اجرا نباید افراد بیگانه با حوزه های تخصصی مربوطه، زمام آن را به دست گیرند. قرآن کریم، اصل «لزوم تخصص گرایی» را در ماجرای حضرت یوسف ع و مدیریت وی بر منابع اقتصادی سرزمین مصر به زیبایی بیان می کند:

﴿قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾ (یوسف، ۵۵)

(یوسف) گفت: مرا بر منابع اقتصادی این سرزمین بگمار چراکه من متعهد و دانایم. در آیه فوق دو ویژگی تعهد و تخصص (حفیظ و علیم) برای متصدیان امور اجتماعی و اقتصادی لازم شمرده شده است. (طباطبائی، ج ۱۱، ص: ۲۰۱) امام جعفر صادق علیه السلام نیز می فرمایند:

كُلُّ ذِي صِنَاعَةٍ مُضْطَرٌّ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ يَجْتَلِبُ بِهَا الْمَكْسَبَ وَ هُوَ أَنْ يَكُونَ حَادِقًا بِعَمَلِهِ مُؤَدِّيًّا لِلْأَمَانَةِ فِيهِ مُسْتَمِيلاً لِمَنْ اسْتَعْمَلَهُ

هر اهل فنی برای موفقیت در کسب و کار خود به سه مطلب نیازمند است: تخصص و باهوشی در فن و حرفه مورد نظر؛ امین باشد و در کار و مال مردم، امانت و درستی را حفظ کند. با کارفرما و صاحب کار، خوش برخورد و خوش قلب باشد. (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ص ۷۹۱)

۴. منفعت محوری به جای خدامحوری:

مدیریت اسلامی مبتنی بر خدامحوری است. این زیربنا در جای جای یک سازمان خود را نشان می دهد و تقوای الهی بر عملکرد همگان سایه می افکند. مدیر به زبردست ظلم نمی کند، کارمندان حق یکدیگر را ضایع نمی کنند، اعضاء سازمان در غیاب یکدیگر مدافع حقوق هم هستند، حتی اگر نظارتی نباشد کسی در انجام وظایف محوله کوتاهی نمی کند (چون همگان خدا را ناظر می دانند)، و... این در حالی است که در مدیریتی که مبتنی بر

خدا محوری نباشد این معادلات به گونه دیگری رقم می خورد. قرآن کریم می فرماید:

﴿وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا﴾. (هود، ۱۲۳)

و نهان آسمان ها و زمین، فقط از آن خداست و همه کارها تنها به سوی او بازگردانده می شود.

آیه فوق، آخرین آیه سوره هود است که پس از نقل چندین داستان در این سوره، به نوعی جمع بندی حکایت های پیشینیان و عبرت گیری از آنهاست.

با توجه به ال جنس در کلمه امر و تأکید «كُلُّهَا» آیه شریفه تأکید می ورزد که تمامی امور بدون استثنا به خدا بازمی گردد. مفسران بر این باورند که «امر» در این آیه به معنای تدبیر عالم است و از نگاه قرآن هر تدبیر دیگری نیز زیرمجموعه تدبیر الهی، و اصطلاحاً «خدا محور» است. (ابن عاشور، بی تا: ج ۱۱، ص ۳۵۴)

امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: «مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ وَمَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ».

هر کس رضایت خدا را بخواهد هرچند با خشم مردم همراه شود؛ خداوند او را از امور مردم کفایت می کند و هر کس که با به خشم آوردن خداوند دنبال رضایت مردم باشد، خدا او را به مردم وا می گذارد. (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۲۰۱)

بدون شک در اجرای بیانیه گام دوم انقلاب در نظر گرفتن منافع شخصی یا حزبی و غفلت از خدا محوری، این حرکت پرشتاب را با چالش جدی مواجه خواهد کرد. در متن بیانیه به این امر زیربنایی تأکید شده است:

«طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند.»

۵. مادی گرایی به جای آخرت گرایی:

﴿الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ (اعلی، ۱۷)

آخرت بهتر و پایدارتر است.

اعتقاد و ایمان به آخرت و زندگانی جاوید و درک مفهوم آخرت‌گرایی بر این استوار است که در انسان حقیقتی وجود دارد که با متلاشی شدن بدن از بین نمی‌رود. اگر کسی به وجود این حقیقت اعتقاد نداشته باشد از معاد نیز نمی‌تواند تصور صحیحی داشته باشد. بنابراین نیاز به تفصیل در این باره نیست که از دیدگاه اسلام انسان دارای دو بعد مادی و غیر مادی است. بُعد اصلی همان بُعد غیر مادی یا روح است. پذیرش مسئله وجود روح غیر مادی در انسان است که اعتقاد به جاودانگی و پایان‌ناپذیر بودن حیات انسان را در پی دارد.

با عنایت به چنین دیدگاهی است که حقیقت ابدی و فناپذیر وجود انسان مورد توجه قرار گرفته، نیازهای حقیقی انسان مطرح شده و راه پاسخ‌گویی به این نیازها ارائه می‌گردد.

همانگونه که امیرالمومنین علیه السلام در یک جمله کوتاه اما راهبردی می‌فرماید: **فَإِنَّ الْغَايَةَ**

الْقِيَامَةَ (لیثی، ۱۳۷۶ش: ص ۱۵۸)

قرآن مجید ایمان به آخرت یا روز آخر را برای سعادت بشر یک امر حتمی و لازم می‌شمارد. منبع و منشأ ایمان به زندگی جاوید و حیات اخروی نیز، قبل از هر چیز دیگر وحی الهی است که بوسیله پیامبران به بشر ابلاغ شده است. یعنی پس از آن که انسان، خدا را شناخت و به صدق گفتار پیامبران ایمان آورد و دانست که آنچه به عنوان وحی ابلاغ می‌کنند واقعاً از جانب پروردگار عالم و تخلف‌ناپذیر است، به روز قیامت و حیات جاوید اخروی که همه پیامبران ایمان به آن را مهم‌ترین اصل پس از توحید معرفی کرده‌اند ایمان پیدا می‌کند (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۷).

ایمان به زندگی جاوید و حیات اخروی یکی از اصول جهان‌بینی اسلامی و از ارکان ایمانی و اعتقادی دین مبین اسلام می‌باشد. پیامبران الهی - بدون استثنا - پس از اصل توحید، مهم‌ترین اصلی که مردم را به آن متذکر کرده‌اند و ایمان به آن را از مردم خواسته‌اند، همین اصل است که در اصطلاح متکلمان اسلامی به نام "اصل معاد" معروف شده است (سبحانی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۶).

اما سخن بر سر اصالت دنیا یا آخرت است که از آیه مبارکه پیش گفته و ده‌ها آیه و روایت دیگر به روشنی فهمیده می‌شود که اصالت با آخرت است و هر گاه امر دایر بین دنیا و آخرت باشد بدون شک آخرت مقدم است. بنابراین می‌توان نتیجه بحث را در کلام حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دید که فرمودند: اعظم الناس هما المؤمن یهتم بأمر دنیا و أمر آخرته با همت‌ترین مردم مؤمنی است که هم به کار دنیایش و هم به کار آخرتش اهتمام دارد (متقی، ۱۴۵۱ق، ح ۷۰۲)

در بیانیه گام دوم توحیدمحوری و معادباوری موج می‌زند و راز این همه امید به آینده و اطمینان به امداد الهی و نترسیدن از مستکبران که در قلم و سخن رهبر انقلاب مشاهده می‌شود همین است. تنها در صورتی این بیانیه محقق می‌شود که این روحیه به خواص و سپس به توده مردم نیز سرایت کند.

۶. مقدم دانستن کمیت بر کیفیت:

در آموزه‌های دینی بر تقدم کیفیت بر کمیت تأکید شده است. به عنوان نمونه در آیه‌ای می‌خوانیم:

﴿إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ (انفال، ۶۵) اگر از شما بیست نفر شکیبا باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند و اگر صد نفر از شما باشند، بر هزار [نفر] از کسانی که کفر ورزیدند، پیروز می‌گردند.

در آیه فوق عنصر کیفی صبر، عامل غلبه بر عنصر کمی قلمداد شده است. همچنین در جای دیگر می‌خوانیم:

﴿لَتَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (کهف، ۷)

تا آنان را بیازماییم که کدامیک از ایشان نیکوکارتر است.

در برخی روایات به این نکته اشاره شده است که تعبیر فوق می‌توانست این‌گونه باشد: لیبلوکم ایکم اکثر عملا (کدامیک عمل بیشتری انجام داده است) اما نظر به این که در نگرش قرآنی کیفیت بر کمیت ترجیح دارد عبارت «احسنُ عملاً» به کار رفته است. (فیض

کاشانی، ج ۵، ص: ۲۰۱)

همچنین خداوند خطاب به حضرت داوود ع می فرماید:

﴿اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ﴾ (سبأ، ۱۱)

زره‌های کامل و مناسب بیاف و آن را درست و دقیق اندازه‌گیری کن.

این محکم کاری و کیفیت‌گرایی به زره و مانند آن انحصار ندارد و یک راهبرد کلی برای

تمامی فعالیت‌های ماست. (مکارم، ج ۱۸، ص: ۳۱)

از مجموع آموزه‌های فوق می‌توان تقدم کیفیت بر کمیت را به خوبی استنباط کرد. پیامبر خدا ﷺ در این زمینه فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ مِنَ الْعَامِلِ إِذَا عَمِلَ أَنْ يَحْسِنَ؛ خداوند، دوست دارد که هر کارگزاری که کار می‌کند، نیکو کار کند». (پاینده، ۱۳۸۲ش، ص ۸۰۱) نیز آن حضرت در حدیثی دیگر اینچنین فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ؛ خداوند، در هر کاری، نیک انجام دادن آن را فرمان داد». (حسن بن علی رضی الله عنه، امام یازدهم، ۱۴۰۹ق، ص ۶۷۰) لذا اگر در هر فعالیت فرهنگی اجتماعی عکس این عمل شود و کمیت، اصیل قلمداد شود، علاوه بر آن که بهره‌وری و کارایی آن طرح کاهش می‌یابد، امدادهای غیبی و الهی نیز تقلیل خواهد یافت. بیانیه گام دوم نیز از این سنت الهی مستثنی نیست.

۷. ضعف باورهای دینی

در جای جای قرآن کریم و روایات، می‌توان وعده‌ها و بشارت‌های الهی را که منشأ امید و انگیزه مضاعف در این‌گونه حرکت‌هاست مشاهده کرد. اما اگر باور به این وعده‌ها کم‌رنگ باشد طی مسیر با چالش مواجه خواهد بود. به‌عنوان نمونه قرآن کریم دو عنصر «ایمان» و «تقوا» را عامل جذب سرمایه‌های طبیعی برمی‌شمارد و این تأثیرگذاری را ضمانت می‌کند: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ اعراف، ۹۶ «و اگر اهل آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و خودنگهداری می‌کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم».

در روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام آمده است: **خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَنَفْعُ الْإِخْوَانِ**؛ دو خصلت است که بالاتر از آن‌ها چیزی نیست: ایمان به خدا و سود رساندن به برادران. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۸۵)

یکی از محورهای هفت‌گانه بیانیه گام دوم، معنویت و اخلاق است. در آن‌جا چنین می‌خوانیم:

«معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است... شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد»

۸. چشمداشت به بیگانگان

طنین کلام وحی در آیه راهبردی و تأثیرگذار زیر هر فعالیت انقلابی و توسعه‌گرایی را به تکیه بر نیروهای خودی فرامی‌خواند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (المائدة: ۵۱)

ای اهل ایمان! یهود و نصاری را سرپرستان و دوستان خود مگیرید، آنان سرپرستان و دوستان یکدیگرند [و تنها به روابط میان خود وفا دارند]. و هر کس از شما، یهود و نصاری را سرپرست و دوست خود گیرد از زمره آنان است؛ بی‌تردید خدا گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند.

بر اساس آیه فوق، دشمنان اسلام هرچند با یکدیگر اختلافاتی داشته باشند اما در مقابله با اسلام و مسلمانان متحد هستند و هر یک از مسلمانان که چشم امید به سوی آنان داشته باشد نیز از زمره آنان به حساب خواهد آمد.

عبارت زیر در صفحه پایانی بیانیه گام دوم، در این زمینه فصل الخطاب است:

«دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها با دقت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.» در دیدار رهبری با مردم قم نیز بر نی‌قسمت بر این مطلب تأکید شده است که باید مسئولین تکیه بر نیروی داخلی داشته و امید به بیگانگان نداشته باشند. (توصیه‌های اخیر رهبر انقلاب به دولت یازدهم مطرح شده در دیدار مردم قم ۱۷/۱۰/۹۳ سایت رسمی رهبری. (KHAMENEI.IR

ب) چالش‌های اجرایی

گذشته از چالش‌های زیربنایی که تحقق بیانیه گام دوم انقلاب با آن‌ها مواجه است، در مقام اجرا نیز آسیب‌هایی پیش‌بینی می‌شود که لازم است با دوراندیشی و شناخت هر یک از آن‌ها، راهکار برون رفت از هر یک را پیش‌بینی کرد. مهم‌ترین این چالش‌ها عبارتند از:

۱. مانع تراشی دشمنان و مخالفان

آیات متعددی از قرآن کریم، بر اصرار دشمنان نسبت به سنگ‌اندازی پیش روی توسعه جوامع اسلامی تأکید دارند. مانند بقره: ۱۲۰ - آل عمران: ۱۱۸ - نساء: ۸۹ - ممتحنه: ۲ - قلم: ۹ و فرقان: ۳۱.

در روایات نیز توصیه‌های مکرری نسبت به لزوم دشمن‌شناسی و تدبیر متناسب در برابر مخالفان آمده است. تا آن‌جا که حتی از تشابه ظاهر و لباس مسلمانان به دشمنان نهی شده است. در حدیث قدسی می‌خوانیم:

«أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ قُلْ لِقَوْمِكَ لَا تَلْبَسُوا مَلَابِسَ أَعْدَائِي وَ لَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَ لَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي». (ورام،

ج ۱، ص: ۱۵)

در حدیثی دیگر در مورد عدم غفلت از دشمنی دشمنان و مکر آنان از امام علی علیه السلام آمده است: و من نام لم ینم عنه. هرکه از دشمن خود غافل شود، دشمن از او غافل نباشد. (بحرانی، ج ۲، ص ۸۷۸)

بدون تردید اجرای بیانیه گام دوم که در راستای رشد و توسعه کشور صادر شده و به شدت دشمن ستیز است، بیش از پیش با مانع تراشی دشمنان مواجه خواهد بود و لازم است پیش بینی‌های لازم در این رابطه (خصوصاً با توجیه افکار عمومی) صورت گیرد. مقام معظم رهبری در متن بیانیه، در مقوله «اقتصاد» و «فرهنگ» را بیشترین حوزه فعالیت دشمنان به شمار می‌آورند و می‌فرمایند: «اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و دخالت دشمنان است... دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید.»

۲. غفلت از کار گروهی و رقابت سالم

ممکن است علی‌رغم تدابیر اتخاذ شده، همچنان چالش «عدم تخصص» در زوایای مختلف اجرای بیانیه به قوت خود باقی باشد، اما بدون شک با کار گروهی می‌توان بخشی از آن را جبران کرد.

در قرآن کریم و جای جای سیره اهل بیت علیهم السلام، نمونه‌هایی از کار گروهی موفقیت آمیز منعکس شده تا الگویی برای همگان باشد. مانند اقدام ذوالقرنین در بستن راه یاجوج و ماجوج (کهف، ۹۵) یا توصیه به تعاون و همکاری متقابل (مائده، ۲) و عملکرد یکپارچه (شوری، آیه ۴۲) و عبادات جمعی (آل عمران، ۳).

همچنین نمونه‌ای از تأکید بر کار رقابتی در قرآن کریم را می‌توان در داستان حضرت

سلیمان ع و هدهد دنبال کرد. جایی که آن حضرت برای احضار تخت ملکه سبا، فراخوان عمومی صادر کردند:

﴿قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ﴾ (نمل، ۳۸)

سلیمان گفت: ای اطرافیان! کدام یک از شما تخت او را برای من می آورد پیش از آن که تسلیم شده نزد من آیند؟

این عملکرد حضرت سلیمان ع، تک تک اعضاء سازمان را در فضایی دوستانه به رقابت وامی دارد و انگیزه آنان را ارتقا می بخشد.

به هر حال تک زوی و غفلت از ظرفیت تعاون و کار جمعی و رقابتی می تواند هر جامعه ای را از رشد و توسعه محروم کند و تحقق بیانیه گام دوم نیز از این قاعده مستثنی نیست.

۳. سرپیچی از مافوق

آموزه های قرآنی در این زمینه بسیار صریح هستند. مانند آیه:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء، ۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را اطاعت کنید و فرستاده [خدا] و صاحبان امر (خود) تان را اطاعت نمایید.

و همچنین آیه:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (نساء، ۶۵)

چنین نیست، به پروردگارت سوگند! که آن ها ایمان نخواهند آورد، تا این که در مورد آنچه در میانشان اختلاف کردند، تو را داور گردانند سپس از داوری تو در جانشان هیچ (دل) تنگی نیابند، و کاملاً تسلیم شوند.

گفتنی است این مورد را می توان از اشتراکات تمامی مکاتب مدیریتی به شمار آورد. فایول در اصول چهارده گانه خود با عنوان "تمرکز" (centralization) به این مطلب اشاره دارد

که سازمان ها مانند سایر ارگانیزم های حیوانی یا اجتماعی به هماهنگی و هدایت از سوی یک سیستم مرکزی نیاز دارند. (رضائیان، ۱۳۸۰، ص ۱۴)

در عین حال سیستم اطاعت پذیری «از بالا به پایین» قرآن کریم از سنخ دیگری است و بر مبنای معنوی و فکری استوار است. در این راستا همچنین قرآن کریم سخن از میثاق اطاعت پذیری از انبیا را مطرح می نماید:

﴿وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ﴾ (آل عمران، ۸۱)

و (یاد کنید) هنگامی را که خدا، از پیامبران پیمان محکم گرفت، که هر گاه به شما کتاب و فرزاندگی دادم، سپس فرستاده ای به سوی شما آمد که مؤید آن چیزی است که با شماست، حتماً به او ایمان آورید و قطعاً یاریش کنید.

در روایتی از امیرمومنان علیه السلام در مورد فلسفه اطاعت از مافوق این چنین آمده است: اطع من فوقک یطعک من دونک. از بالادست خود فرمان ببر تا زیر دستت از تو فرمان برد. (آقا جمال، ج ۷، ص ۳۱۷)

نظر به این که هر مدیری ممکن است پایان دوره مدیریت خود را برنتابد و در برابر آن موضع گیری نماید، چنین میثاقی می تواند اطمینان خاطر برای مدیر کل در انتصابات باشد. (گرچه انبیا الهی از چنین مخالفتی پیراسته هستند.)

۴. تبعیض

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ﴾. (نحل، ۹۰)

در واقع خدا، به عدالت و نیکی فرمان می دهد.

عدالت اجتماعی عبارت از این است که با هریک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است و این خصلتی اجتماعی است که فرد فرد مکلفین مامور به انجام آنند. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۴۳)

در آیه دیگری می خوانیم:

﴿أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ﴾. (شوری، ۱۵)

فرمان داده شدم تا در میان شما عدالت پیشه کنم.

یکی از سیاست‌های کلان قرآن پیشگیری از دو قطبی شدن جامعه (اقلیت برخوردار و اکثریت محروم) است. این راهبرد در اقتصاد، سیاست، و مدیریت کاربرد دارد و بر رفع تبعیض پای می‌فشارد. قرآن کریم در آیه ذیل از تبعیض اقتصادی و انحصار ثروت در میان گروهی خاص از شهروندان، انتقاد می‌کند:

﴿كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾ (حشر، ۷)

تا (ثروت‌ها) در میان توانگران شما [دست به دست] نگردهد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام در مورد اهمیت عدل این چنین می‌خوانیم: **ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرًا إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ**؛ سه چیز است که همه مردم به آن‌ها نیاز دارند: امنیت، عدالت و آسایش. (آرام، ج ۶، ص ۶۲۱) و یا این که امام صادق علیه السلام فرمودند: **إِنَّ النَّاسَ يَسْتَغْنُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ وَ تُنزِلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى**؛ اگر در میان مردم عدالت برقرار شود، همه بی‌نیاز می‌شوند و به اذن خداوند متعال آسمان روزی خود را فرو می‌فرستد و زمین برکت خویش را بیرون می‌ریزد. (طوسی، ج ۴، ص ۱۳۶)

عدالت، یکی از محورهای اصلی بیانیه گام دوم است و تبعیض را می‌توان از چالش‌های اصلی و کلان در مسیر تحقق این بیانیه به شمار آورد. در فرازی از این بیانیه چنین آمده است:

«در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است.»

۵. دروغ

در زشتی گناه دروغ شاید اشاره به روایت زیر از امام باقر علیه السلام مکفی باشد:

﴿إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ وَ الْكَذِبَ شَرًّا

مِنَ الشَّرَابِ؛ خداوند عزوجل برای بدی‌ها قفل‌هایی قرار داد و کلید تمامی آن قفل‌ها شرابخواری است؛ اما دروغگویی از شرابخواری نیز بدتر است.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص: ۳۳۹)

متقابلاً در منابع اسلامی به قدری روی دو مسئله (امانت) و (صداقت) تأکید شده که درباره کمتر موضوعی دیده می‌شود، و این به دلیل نقش حیاتی این دو، در زندگی اجتماعی بشر است. امام صادق (ع) می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ؛ خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد مگر بر مبنای راستگویی و امانتداری در برابر نیکوکار و بدکار.» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۹، ص ۷۳)

مقام معظم رهبری در محور دوم بیانیه که به موضوع معنویت و اخلاق اختصاص دارد، بر مسئله راستگویی تأکید ورزیده و نقش کلید آن را در جهت دهی به سایر فعالیت‌های فردی و اجتماعی متذکر شده‌اند.

۶. شتابزدگی

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ (طه، ۲۵)

(موسی) گفت: پروردگارا سینه‌ام را برایم بگشا.

شرح صدر به معنای گسترده‌ی روح است که کنایه از توان‌مندی روحی و معنوی و ظرفیت بالا در مدیریت شرایط مختلف می‌باشد. همان توسعه‌ای که باعث می‌شود انسان هر حقی را بپذیرد و به آن عمل نماید. (مصطفوی، ماده شرح)

نقطه مقابل شرح صدر، شتابزدگی و اقدام عجولانه است که در روایات، به شیاطین نسبت داده شده و از آن نهی شده است. (آمدی، ص ۴۳) رسول خدا صلی الله علیه و اله می‌فرمایند: «الاناة من الله و العجلة من الشيطان»، تانی و خویشتن‌داری از سوی خداست و عجله و شتاب از شیطان است. (برقی، ج ۱، ص ۲۱۵) در حدیث دیگری همان حضرت صلی الله علیه و اله می‌فرمایند: «انما اهلك الناس العجلة ولو ان الناس تثبتوا لم يهلك

احد» عجله و شتاب مردم را هلاک کرده و اگر مردم دارای تانی و خویشتن داری بودند، هیچ کس به هلاکت نمی‌رسید. (حرعاملی، ج ۱، ص ۳۶) از این رو می‌توان شتابزدگی را آفت مشترک تمامی فعالیت‌های راهبردی در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی به شمار آورد و سند تاریخی مانند بیانیه گام دوم نیز از این قاعده مستثنی نیست. یکی از صاحب نظران دانش مدیریت، ضمن برشمردن «رشد اجتماعی و وسعت نظر» از ویژگی‌های مدیر، می‌نویسد:

«ظرفیت فکری و نفسانی رهبر باید به گونه‌ای باشد که از لحاظ روحی، مغلوب ناکامی‌ها یا مغرور از موفقیت نگردد از این رو باید در مقابل موانع و تلخی‌ها قدرت تحمل زیادی داشته باشد.» (رضائیان، ۱۳۸۰: ص ۲۰۱)

۷. خشونت و انتقادناپذیری مجریان

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

از اموال آنان بخشش خالصانه و زکات را بگیر، که به وسیله آن، پاکشان سازی و رشدشان دهی و برایشان دعا کن چراکه دعای تو، برای آنان آرامشی است و خدا شنوای داناست. (توبه، ۱۰۳)

امیرمؤمنان علیه السلام در در عهدنامه مالک اشتر بر این نکته تأکید دارند: مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: نامه ۵۳) و امام هادی نیز در این زمینه می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا إِذَا عُوتِبَ قَبْلَ.** هرگاه خداوند، خیر و خوبی بنده‌ای را بخواهد، او چنان می‌شود که اگر مورد عتاب و سرزنش قرار گرفت، می‌پذیرد. (ابن ادریس، ج ۳، ص ۵۸۱)

قرآن کریم این ویژگی را برای پیامبر خود به زیبایی ترسیم نموده است:

﴿عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (توبه، ۱۲۸)

همچنین به ایشان این گونه دستور می‌دهد:

﴿وَلَا تَرَأَلْ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾
(مائده، ۱۳)

همیشه از خیانتی (تازه) از آنان آگاه می شوی، مگر اندکی از آنان (که خیانت نکردند) پس آنان را ببخش و درگذر که خدا نیکوکاران را دوست می دارد.

خدای سبحان در آیه دیگری می فرماید:

﴿وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾: از آن ها کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند: او (سراپا) گوش است (آدم خوش باوری است)! بگو: او گوش خوبی برای شماست (ولی بدانید) او به خدا ایمان دارد و (تنها) مؤمنان را تصدیق می کند. (توبه، ۶۱)

علامه طباطبائی «اذن خیر لکم» را به شنیدن همراه با تغافل و مدارا تفسیر کرده اند. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۲۳) این راهبرد همچنین در توصیه های حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر مشهود است، (نامه ۵۳ و حکمت ۲۲۲)

در آیه دیگر نیز می خوانیم:

﴿وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء، ۲۱۵)

و بال (عطوفت و فروتنی) خود را برای کسانی از مؤمنان که از تو پیروی می کنند فرو آر.

﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ...﴾ (لقمان، ۱۸)

روی خود را از مردم به تکبر برمگردان.

تواضع و فروتنی از شاخصه های اصلی و ضروری کار اجرایی به حساب می آید. در روایات، افراد متواضع خردمندترین مردم شمرده شده اند (مجلسی، ۱۴۰۴: ص: ۵۵) لازم به ذکر است این تواضع نباید صلابت و قاطعیت مسئولان را تحت الشعاع قرار دهد. چنان که قرآن نمونه هایی از صلابت مدیران الهی را گزارش نموده است. (نمل، ۲۰)

۸. سهم خواهی بستگان برخی مسئولان

قرآن کریم از هر گونه جانبداری بستگان و نزدیکان نهی می کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ﴾.
(نساء، ۱۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برپادارندگان دادگری باشید و برای خدا گواهی دهید، وگر چه (این گواهی) به زیان خودتان، یا پدر و مادر و نزدیکان شما باشد.
در برخی آیات نیز موضع‌گیری انبیاء در برابر بستگان و اعضاء خانواده خود را گزارش می‌کند:

﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ﴾ (شعراء، ۷۰)

هنگامی که به پدر (عموی) خود و قومش گفت: چه چیز را می‌پرستید؟! بنابراین نباید رابطه خویشاوندی ملاک انتصاب‌ها یا امتیازها باشد. در ماجرای انتخاب طالوت به فرماندهی گروهی از بنی اسرائیل می‌خوانیم:

﴿قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ﴾. (بقره، ۲۴۷)

براستی که خدا او را بر شما برگزیده، و وسعتی در دانش و (نیروی) بدنش افزود. اصطفاء از ریشه «صفو» گرفته شده و به معنای «صاف و پاک» می‌باشد. در نتیجه، اصطفاء بهترین و پاک‌ترین را انتخاب کردن است. بر اساس آیه فوق، قدرت علمی و توانایی جسمی برای انجام مأموریت، دو شرط لازم برای مدیران است.

اساساً قرآن کریم نقش بسزایی برای نیروهای لایق قائل است. هارون برادر حضرت موسی نیز بر اساس همین معیار برگزیده شد:

﴿وَإِخِي هَارُونَ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْتُهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَدِّبُونَ﴾

و برادرم هارون زبانش از من فصیح‌تر است، پس او را همراه من کمک و پشتیبان فرست، تا مرا تصدیق کند زیرا می‌ترسم مرا تکذیب کنند (و من نتوانم هدفم را به روشنی بیان کنم)» (قصص: ۳۴)

۹. ضعف نظارت و بازرسی

برای هر اقدام اجرایی و عملیاتی، عنصر نظارت ضروری است ضمانت اجرا به حساب

می‌آید. قرآن کریم نظارت مستقیم مدیر بر نیروهای سازمان را در داستان حضرت سلیمان ع این‌گونه حکایت می‌کند:

﴿وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ﴾ (نمل، ۲۰)

و (سلیمان) در جست‌وجوی پرنده برآمد و گفت: مرا چه شده که هُدْهُد را نمی‌بینم. در بیانیه گام دوم بر مبارزه همه‌جانبه با فساد و سایر انحرافات اجتماعی تأکید شده و ده‌ها آموزه راهبردی بیان شده و تکلیف هر قشر مشخص است اما اگر نظارت نباشد ممکن است ابتر بماند. الگوی قرآن کریم نظارت بر عملکرد دیگران، امر به معروف و نهی از منکر است:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ (آل عمران، ۱۰۴)

از میان شما باید گروهی باشند که دیگران را به خیر دعوت نمایند و از بدی‌ها بر حذر دارند. بر اساس آیه فوق، باید همواره گروهی جهت نظارت بر امور، در جامعه احساس مسئولیت کنند. با این وجود شایان ذکر است که نظارت را نمی‌توان منحصر به نهاد خاصی دانست و سایرین را از آن معاف به شمار آورد. بلکه مطالبه قرآن کریم، «نظارت عمومی و جمعی» توسط تک‌تک اعضای یک جامعه است:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران، ۱۱۰)

و در نهایت به این قسمت از کلام امیرمومنان استشهد می‌کنیم که به کارگزار خود فرمودند: ثم تفقد اعمالهم و ابعث العيون من اهل الصدق والوفاء عليهم فان تعاهدك في السر لا مورهم حدودهم لهم على استعمال الامانه و الرفق بالرعيه و تحفظ من الاعوان. سپس تمام کارهای کارگزاران را تحت نظر بگیر و بازرسانی مخفی از کسانی که اهل صدق و وفا هستند بر آنان بگمار زیر نظر داشتن امور کارگزاران به صورت پنهان و مخفی آنان را وادار به امانت‌داری و مدارا با رعیت می‌نماید و از تشکیل شبکه یارگیری در خلاف کاری بازمی‌دارد.

(بروجردی، ج ۲۲، ص ۶۵۰)

جمع‌بندی

پاره‌ای از چالش‌های پیش روی بیانیه گام دوم انقلاب به اختصار بیان شد اما با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و دوران‌دیشی در مقام نظر و مدیریت انقلابی در مقام عمل، می‌توان با امید به خدا از تمامی چالش‌های پیش رو گریخت و این طرح راهبردی را جامه عمل پوشانید.

منابع

۱. قرآن کریم (با ترجمه گروهی دکتر رضایی اصفهانی و همکاران)
۲. امام علی ۷، نهج البلاغه، جمع آوری: سید رضی، تحقیق: صبحی صالح، چاپ اول، دارالهجره، قم، ۱۴۱۴ ق.
۳. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، حسینی ارموی محدث، جلال الدین، چهارم، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۴. آمدی، عبد الواحد، غرر الحکم و درر الکلم، محمد علی انصاری، امام عصر، قم، ۱۳۸۵ ش.
۵. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی قم، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن ادريس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، الموسوی، حسن بن احمد و ابن مسیح، ابو الحسن، دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۰ ق.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، علی اکبر غفاری، چاپ دوم، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳ ق.
۸. ابن عاشور، محمد طاهر، التحرير و التنوير، چاپ اول، مؤسسه التاريخ، بیروت، بی تا.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثه، اول، بنیاد بعثت، تهران ۱۴۱۶ ق.
۱۱. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد، موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشريف، ایران؛ قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، محدث جلال الدین، دوم، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱ ق.
۱۳. بروجردی، آقا حسین، جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، ۱۳۸۶ ش.

۱۴. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، چهارم، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۱۵. حسن بن علی علیه السلام، امام یازدهم، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، آل البيت، قم، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش های اسلامی. گروه حدیث، آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. حرانی، ابو محمد، تحف العقول، ترجمه: صادق حسن زاده، قم، آل علی، ۱۳۸۷ ش.
۱۹. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی - آزام، احمد، الحیاة، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲۰. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، چاپ دوم، سمت، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲۱. رضائیان، علی، مدیریت رفتار سازمانی، چاپ دوم، سمت، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲۲. سبحانی، جعفر، الالهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل، چاپ چهارم، : مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، قم، ۱۳۷۵ ش.
۲۳. صدوق، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۲۴. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۵. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، خراسان، حسن الموسوی، چهارم، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ ق.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ ش.

۲۹. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، مؤسسة آل البيت علیه السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.
۳۰. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، مؤسسة الرسالة، پنجم، ۱۴۵۱ ق
۳۱. مصطفوی، حسن، ۱۳۷۱ ش، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران، الطبعة الاولى.
۳۲. کاشانی، محمد محسن فیض، تفسیر صافی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۲ ق، الطبعة الثانية، ۵ جلدی.
۳۳. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، حسنی بیرجندی، حسین، دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش، قم.
۳۴. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، رسولي محلاتی، سید هاشم، دوم، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۳۵. مظفر، محمد رضا، المنطق، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۶۸ ش، ۱۴۰۲ ق
۳۶. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، انتشارات صدرا، قم، چاپ هفدهم، ۱۳۸۲ ش.
۳۷. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۳۶۹ ش)، مجموعه ورام، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.